

راهنمای کاربردی ارزیابی درونی
در سطح گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات
آموزش عالی

www.ketab.ir

تألیف:

دکتر رضا محمدی

سرشناسه	: محمدی، رضا، ۱۳۹۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: راهنمای کاربردی ارزیابی درونی در سطح گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی / تألیف رضا محمدی؛ ویراستاری زهرا حسن‌خانی
مشخصات نشر	: تهران: سازمان سنجش آموزش کشور، اداره کل چاپ و انتشارات، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: شش، ۱۹۱ ص. ۱۶/۵ × ۲۳/۵ س م.
شابک	: 978-964-239-296-4
وضعیت فهرست‌نویسی:	: فیبا
موضوع	: آموزش عالی - ایران - ارزشیابی - دستنامه Education, Higher-Iran-Evaluation-Handbooks, Manuals, etc
موضوع	: دانشگاه‌ها و مدارس عالی - ایران - ارزشیابی - دستنامه Universities and colleges-Iran- Evaluation-Handbooks, Manuals, etc
شناسه افزوده	: حسن‌خانی، زهرا، ۱۳۴۸ - ویراستار
شناسه افزوده	: سازمان سنجش آموزش کشور، اداره کل چاپ و انتشارات
رده‌بندی کنگره	: م ۳ ۹ الف/۶۵/۲۳۳۱ LB
رده‌دویی دیویی	: ۳۷۸/۵۵



سازمان سنجش آموزش کشور

عنوان کتاب	: راهنمای کاربردی ارزیابی درونی در سطح گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی
ناشر	: اداره کل چاپ و انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور
تألیف	: دکتر رضا محمدی، عضو هیئت علمی سازمان سنجش آموزش کشور
طرح جلد	: اداره کل چاپ و انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور
ویراستاری و صفحه‌آرایی	: زهرا حسن‌خانی
لیتوگرافی و چاپ	: اداره کل چاپ و انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور
تیراژ	: ۱/۰۰۰ نسخه
قیمت	: ۲۰۰۰۰ تومان
چاپ اول	: ۱۳۹۹
شابک:	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۹-۲۹۶-۴

www.ketab.ir

تمامی حقوق این اثر متعلق به سازمان سنجش آموزش کشور است.

فهرست مطالب

۱. پیشگفتار..... ۱

فصل اول: مفاهیم و مبانی ارزیابی درونی

- ۱-۱. مقدمه: معنی و مفهوم ارزیابی..... ۹
- ۱-۲. وجوه افتراق و اشتراک ارزیابی با اندازه‌گیری و پژوهش..... ۱۲
- ۱-۲-۱. ارزیابی و اندازه‌گیری..... ۱۲
- ۱-۲-۲. ارزیابی و پژوهش..... ۱۳
- ۱-۳. مفهوم کیفیت در آموزش عالی..... ۱۵
- ۱-۴. ضرورت ارزیابی و تضمین کیفیت..... ۲۳
- ۱-۵. ارزیابی درونی..... ۲۵
- ۱-۵-۱. مفاهیم..... ۲۵
- ۱-۵-۲. ارزیابی درونی و یادگیری سازمانی..... ۲۷
- ۱-۵-۳. ارزیابی درونی و تضمین کیفیت..... ۲۹
- ۱-۵-۴. تجارب ملی در حوزه ارزیابی و ارزیابی درونی..... ۳۰
- ۱-۵-۵. ارزیابی بیرونی و نقش آن در تثبیت دستوردهای ارزیابی درونی و تضمین..... ۳۲
- ۱-۶. ضرورت اتصال نتایج ارزیابی درونی به برنامه‌ریزی توسعه گروه..... ۳۵

فصل دوم: فرایند ارزیابی درونی

- ۲-۱. مقدمه: چرا ارزیابی درونی می‌کنیم؟..... ۴۱
- ۲-۲. فرایند ارزیابی درونی..... ۴۴
- ۲-۲-۱. مرحله اول: برنامه‌ریزی (مراحل پیش از اجرا)..... ۴۵
- ۲-۲-۱-۱. گام اول: آشنا کردن اعضای گروه با مبانی، اصول و فرایند ارزیابی درونی..... ۴۶
- ۲-۲-۱-۲. گام دوم: تشکیل کمیته راهبری ارزیابی درونی..... ۴۶
- ۲-۲-۱-۳. گام سوم: تصریح و تدوین مأموریت و هدف‌های گروه..... ۴۷
- ۲-۲-۱-۴. گام چهارم: تعیین و تصویب عوامل..... ۵۸
- ۲-۲-۱-۵. گام پنجم: تعیین و تصویب ملاک‌ها..... ۶۱
- ۲-۲-۱-۶. گام ششم: تعیین و تصویب نشانگرها و معیارهای قضاوت هر نشانگر..... ۶۳

۶۹	۲-۱-۷. گام هفتم: مشخص کردن داده‌های مورد نیاز.....
۷۰	۲-۱-۸. گام هشتم: طراحی و تدوین ابزار گردآوری داده‌ها.....
۷۵	۲-۱-۸-۱. ویژگی‌های فنی ابزارهای گردآوری و اندازه‌گیری داده‌ها.....
۷۷	۲-۲-۲- مرحله دوم: اجرا.....
۷۷	۲-۲-۲-۱. گام نهم: گردآوری داده‌های مورد نیاز.....
۸۱	۲-۲-۲-۲. گام دهم: تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده.....
۸۸	۲-۲-۲-۳. گام یازدهم: تدوین گزارش مقدماتی ارزیابی درونی.....
۸۹	۲-۲-۲-۴. گام دوازدهم: تدوین گزارش نهایی ارزیابی درونی.....
۹۲	۲-۲-۳- مرحله سوم: کاربست نتایج و پیگیری.....
۹۳	۲-۳-۱. برنامه‌ریزی برای کاربست نتایج و پیشنهادها.....

فصل سوم: عوامل، ملاک‌ها و نشانگرهای ارزیابی درونی

۹۹	۳-۱. مقدمه.....
۱۰۰	۳-۲. عوامل ارزیابی درونی.....
۱۰۰	۳-۳. ملاک‌ها و نشانگرهای ارزیابی درونی.....

فصل چهارم: چهارچوب و راهنمای تدوین گزارش ارزیابی درونی

۱۱۷	۴-۱. مقدمه.....
۱۱۸	۴-۲. نحوه تدوین گزارش ارزیابی درونی.....
۱۱۹	۴-۳. ویژگی‌های یک گزارش مطلوب ارزیابی درونی.....
۱۲۰	۴-۴. چهارچوب تدوین گزارش.....
۱۲۳	۴-۵. راهنمای تکمیل فصل‌های گزارش.....
۱۲۳	۴-۵-۱. راهنمای تنظیم فصل اول: معرفی گروه آموزشی و فرایند ارزیابی درونی.....
۱۲۷	۴-۵-۲. راهنمای تنظیم فصل دوم: عوامل مورد ارزیابی.....
۱۲۹	۴-۵-۳. راهنمای تنظیم فصل سوم: خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادها.....
۱۳۵	فهرست منابع.....
۱۳۹	پیوست‌ها.....
۱۴۱	پیوست (۱) ابزارهای تدوین و تصریح مأموریت‌ها و هدف‌ها.....
۱۴۷	پیوست (۲) ابزارهای گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز.....

پیشگفتار

نظام آموزش عالی هر کشور از عوامل مؤثر در تحقق سیاست‌های توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن به شمار می‌رود. تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآموده به‌عنوان اساس توسعه همه‌جانبه کشورها، تولید دانش و دانش‌پژوهی و اجرای پژوهش‌های بنیادی، توسعه‌ای، کاربردی و ارائه خدمات تخصصی و اجتماعی توسط دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی انجام می‌گیرد؛ بنابراین نظام آموزش عالی با برون‌داده‌ها و پیامدهای خود عملاً در راه توسعه کشور گام برمی‌دارد.

نظام آموزش عالی، هنگامی می‌تواند محرک و پیشران توسعه پایدار باشد که مأموریت‌های اصلی خود را به صورت کارا و اثربخش محقق کند؛ به عبارت بهتر، بری از هر گونه عیب و کاستی باشد. بر این اساس، صاحب‌نظران آموزش عالی و توسعه، بین کیفیت این نظام و کیفیت توسعه رابطه مستقیم و معنی‌داری برقرار می‌دانند. با توجه به این ارتباط تنگاتنگ و نقشی که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در تعالی ملت‌ها و توسعه پایدار و فراگیر کشور دارند و نیز منابعی که برای تحقق مأموریت و وظایف محوله به آنها اختصاص می‌یابد، مورد توجه خاص دولت‌ها و ملت‌ها هستند و باید حاکمیت، جامعه و مردم را متقاعد کنند که در جهت رفع نیازهای آنها و بازپرداخت هزینه‌ها و منابع در قالب برون‌داد و پیامدهای متناسب، کارا و اثربخش فعالیت می‌کنند. به عبارت دیگر، پیش‌بینی نرخ برگشت‌پذیری

سرمایه‌گذاری در آموزش عالی صرفاً با توجه به این مهم و لحاظ کردن کیفیت می‌تواند تصویر واقعی و روشنی را از بهره‌وری (اثربخشی و کارایی) فعالیت‌های نظام دانشگاهی در یک محیط متحول و پویا ارائه کند.

از این‌رو، در جهان متحول کنونی که به هیچ پدیده‌ای بیش از آموزش و به‌ویژه در سطح عالی و آکادمیک به‌عنوان عامل اصلی این تغییر و تحول تأکید نشده است، به آموزش عالی به‌عنوان عاملی برای آفرینش و بازآفرینی شرایط اساسی کیفیت زندگی فردی و اجتماعی نگاه می‌شود؛ اما باید به این نکته توجه ویژه داشت تنها هنگامی که فعالیت، بازده و پیامد بخش آموزش عالی با نیازها، هدف‌ها، فعالیت‌ها و بازده کلی و بهره‌وری جامعه تطابق و همسویی داشته باشد، بقا و دوام نظام آموزش عالی به‌منزله آینه تمام‌نمای روابط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه، استمرار خواهد یافت.

آموزش عالی در طول دو دهه گذشته با چالش‌ها و مسائل پرشماری روبه‌رو بوده است. رشد فزاینده دانشجویان و متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، رشد کمی نظام آموزش عالی بدون توجه به ظرفیت‌های موجود و توان بافت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه برای پذیرش حیل عظیم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، کاهش منابع مالی و فشار از سوی جامعه برای مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بیشتر به‌ویژه در قبال ارزش افزوده این نظام برای دانش‌آموختگان و قابلیت کارآفرینی آنها و اشتغال مؤثر، از جمله این چالش‌ها به شمار می‌رود. در آموزش عالی باید ضمن توجه به این چالش‌ها، به حفظ، بهبود و ارتقای کیفیت با اتکا بر عامل مدیریت و رهبری کارآمد در شرایط تغییر سریع، بی‌ثباتی و دگرگونی در محیط آموزش عالی اقدام شود (رمزدن^۱، ۱۹۹۷؛ ترجمه نوه‌ابراهیم، ۱۳۸۰).

بنابراین می‌توان گفت کیفیت، هزینه و بهره‌وری همواره سه عامل اساسی مورد توجه مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بوده‌اند اما بحث کیفیت بیش از دو عامل دیگر مورد توجه و دقت قرار گرفته است؛ چراکه نظر بر آن است که

^۱. Ramsden

اختصاص منابع بیشتر به آموزش عالی در قبال بازده و فرآورده‌های کمتر ناشی از فقر کیفیت در نظام آموزش عالی و فعالیت‌های آن است (ایزدی و همکاران^۱، ۱۹۹۶). از این رو، می‌توان گفت که عوامل هزینه و بهره‌وری به نوعی تحت تأثیر عامل کیفیت قرار می‌گیرند؛ اگر کیفیت بهبود یابد، هزینه کاهش یافته و بهره‌وری افزایش می‌یابد. نتیجه اینکه کیفیت آموزشی، پژوهشی و خدماتی و ارتقا و تضمین آن به‌عنوان یک هدف متعالی باید اولویت اول رهبران آموزش عالی و جامعه دانشگاهی باشد؛ زیرا کیفیت مطلوب نظام آموزش عالی، آینده علمی و تعالی کشور را تضمین خواهد کرد. بنابراین، نظام آموزش عالی به‌عنوان نظامی پویا و هدفمند نیازمند توجه و گسترش در مفهوم کامل آن در بعد کیفی به موازات رشد بعد کمی است.

هنگامی که از مباحث بهبود، ارتقا و تضمین کیفیت سخن به میان می‌آید باید این واقعیت را پذیرفت که نوعی نارضایتی از وضع موجود پدیدار شده و باید تلاش شود فعالیت‌ها در جهت اعتبار (کیفیت) قابل قبول و مورد انتظار، جهت‌دهی و هدایت شوند. نظام آموزش عالی زمانی دارای کیفیت خواهد بود که بدون عیب و کاستی باشد. تحقق این مهم یعنی برطرف کردن نارسایی‌ها و کاستی‌های نظام و در نتیجه حصول بهبود و تضمین کیفیت در گام اول مستلزم شناخت وضعیت موجود، ترسیم وضعیت مطلوب، برنامه‌ریزی برای رسیدن به وضعیت ممکن و در نتیجه استقرار یک نظام مناسب و کارآمد ارزشیابی و اعتبارسنجی است.

اوایل قرن بیستم را می‌توان دوران توسعه سریع نظام‌های مختلف ارزیابی و تضمین کیفیت در آموزش عالی دانست که دغدغه حفظ، بهبود، ارتقا و تضمین کیفیت در کشورها مطرح شد و در پی آن، ساختارها و واحدهای مدیریتی جدیدی در سطوح مؤسسه‌ای، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای تحقق این امر ایجاد شدند. در این میان، گرایش به نظام‌هایی بیشتر است که بهبود و ارتقای کیفیت را مسئولیت مشترکی بین جامعه دانشگاهی می‌دانند، بر مشارکت فعال اعضای هیئت علمی در این فرایند تأکید دارند و در پی ایجاد فرهنگ کیفیت‌مدار و بستر پاسخگویی و شفافیت در نظام آموزش عالی هستند.